



29 جنوری 2018

داکتر سید عبدالله کاظم

دشمن از کشیدگی های داخلی برای بی ثباتی و نا امنی مزید در کشور به نفع خود استفاده میکند!

مشکلات بین ارگ و عطا محمد نور هنوز هم ادامه دارد و مذاکرات بین هیئت های دوطرف تاحال به نتیجه نرسیده است. اینکه چرا عده ای از شخصیت های حزب جمعیت اسلامی در ابقاء عطا محمد نور مجدانه تلاش میکنند و میخواهند به نحوی در این مذاکرات برای حزب جمعیت امتیازاتی را کسب نمایند، واضح است. ما ضرب المثلی داریم که میگویند: «پیر مردن آسان است، اما رخنه مرگ باز میشود»؛ موضوع برکناری عطا محمد نور برای حزب جمعیت که در یک ربع قرن به نحوی در قدرت بودند، حیثیت "پیر مردن" را دارد. آنها میترسند که با اینکار رخنه مرگ از مقام و قدرت آنها باز خواهد شد. لذا همه میکوشند تا جلو سقوط عطا محمد نور را نه برای او، بلکه برای آینده خود بگیرند.

هرگاه این طلسم شکسته نشود و سیاست مصلحت گرایی کرزی خانی ادامه پیدا کند، این شیوه بیک عرف تبدیل خواهد شد و آنها نسل به نسل خود را شریک قدرت خواهند ساخت و دیگر از شر آنها و امثال آنها هرکی و هرچه باشند، اعم از گلبدین و سیاف و غیر ذالک رهائی کار مشکل خواهد بود. وقتی خود شان نباشند، نوبت فرزندان شان خواهد رسید و به همین ترتیب سلسله میراثی خواهد شد. آنها تا یک زمان دین را وسیله قدرت برای خود ساختند، اکنون دین را با قومیت تعویض کرده اند و میخواهند از این وسیله بر شانه های مردم سوار شوند.

آقای زلمی خلیل زاد ضمن یک مصاحبه با آقای فیاض در باره مشکلات جاری بین ارگ و عطا محمد نور والی مستعفی بلخ صحبت کرد و گفت که باید این معضله از طریق تفاهم با در نظر داشت منافع ملی و بر طبق قانون اساسی کشور حل شود. این عین همان سخنی است که چند روز قبل سفیر ایالات متحده امریکا با وضاحت بیشتر بیان کرد و آتش را بجان یک عده طرفداران عطا محمد نور برافروخت که گویا سفیر امریکا در امور داخلی کشور مداخله میکند.

بدبختی از ماست که نتوانستیم در این 16 سال با در نظر داشت منافع ملی مشکلات ذات البینی خود را حل کنیم. هر روز با یک مشکل جدید که ناشی از "منم بودن" ها است، هم خود را و هم وطن و مردم را دچار نا آرامی و اضطراب ساخته ایم. حامد کرزی در مدت 13 سال قدرت سلطنتی خود بجای آنکه در امحای قدرتهای موازی دولت قدم بقدم سعی کند، بر عکس با روش های مصلحت گرایانه خود در تشدید این مشکل افزود تا خود را نگهدارد.

این میراث خراب اکنون به گردن حکومت "وحدت ملی" افتاده است که میخواهد قدرت دولت را از این بحران و از نفوذ قدرت های موازی بیرون کند. واضح است که این کار به سهولت میسر نمیشود،

زیرا کسانی که با داشتن قدرت عادت کرده و در عین زمان با استفاده از قدرت خود را صاحب ملیونها دالر ثروت ساخته اند، حاضر نیستند این امتیاز حیاتی خود را به آسانی از دست دهند.

اگر دولت در این راه از قوای نظامی کارگیرد، نتیجه باز هم ریختن خون مردم بیچاره و نیز تشدید اختلافات و دیگر جنجال ها است که زمینه فعالیت های تخریبی را برای مخالفان مسلح دولت و کشورهای حامی آنها مساعد می سازد. لذا یگانه راهی که باقی می ماند، همانا آوردن فشار از طرف مجامع جهانی و بخصوص ایالات متحده امریکا است که با دادن اخطار و یا به اصطلاح "گوشمالی" در رفع این معضله اقدام کند.

سخنان زلمی خلیلزاد که حالا در اداره آقای ترامپ بار دیگر حرفهایش شنیده میشود، در حقیقت انعکاسی از همین موضوع است که دیپلماسی نرم را با حرف های سخت به گوش طرف مقابل و حزب او میرساند. قابل ذکر است که هریک از این اشخاص پر قدرت و سیاسیون آنها دوسیه های زیاد در نزد امریکا دارند و اگر لازم افتد آنها از این وسایل نیز استفاده خواهند کرد. اگر در خانه کس است، یک حرف بس است. لجاجت زیاد و ایستادگی در موقف فاقد منطق، انسان را برباد میدهد و شخص غریب را که برای نجات خود از این غرقنا هرچه بیشتر دست و پا بزند، بیشتر و زودتر غرق میکند.

کشمکش ها برای بقا در قدرت به هر شکلی که باشد، این زمینه را نه تنها برای مخالفان مسلح نظام و حمایتگران بیرونی شان مساعد می سازد تا با راه اندازی حملات پیهم انتحاری و کشتن مردم بیگناه نا آرامی و نا امنی ها را در کشور بیفزایند، بلکه موجب میشود تا یک تعداد شخصیت ها در داخل و خارج نظام بر علیه یکدیگر موقف های خصمانه گیرند و نفاق و شقاق را در جامعه دامن زنند. یکی از این اشخاص آقای احمد سعیدی است که در یک مصاحبه تلویزیونی مسئولیت حملات انتحاری مورخ 7 دلو را که در آن بیش از 103 نفر جان باختند و به تعداد بیش از 235 زخمی شدند، برگردن مقامهای امنیتی کشور از جمله وزارت دفاع، داخله و ریاست امنیت ملی انداخت و با شدت لحن و کلمات سخت گفت که باید آنها به دلیل این اهمال و اغفال خود فوری استعفی دهند و نیز علاوه کرد که حکومت وحدت ملی نتوانسته ثبات و امنیت را در کشور تأمین کند و باید آنها نیز وقتی از عهده اینکار بدر شده نمیتوانند، باید این مقام را ترک گویند.

در ارتباط با انتقاد و توصیه آقای سعیدی باید به این سؤال جواب دقیق گفت که اگر همین حالا چند مقام عالی رتبه امنیتی از وظیفه شان برکنار شوند و بجای آنها چند نفر دیگر را مقرر نمایند، آیا فکر می شود که این تغییر و تبدیل بتواند جلو حملات انتحاری و واقعات خونین را بگیرد؟

اگر من بجای اشرف غنی باشم، همین حالا دست آقای سعیدی را گرفته و در مقام وزارت داخله برده و ایشان را به حیث وزیر کل اختیار آن وزارت میگذارم. در این حال آیا آقای سعیدی تعهد کرده میتواند که دیگر همچو حملات انتحاری رخ ندهد؟

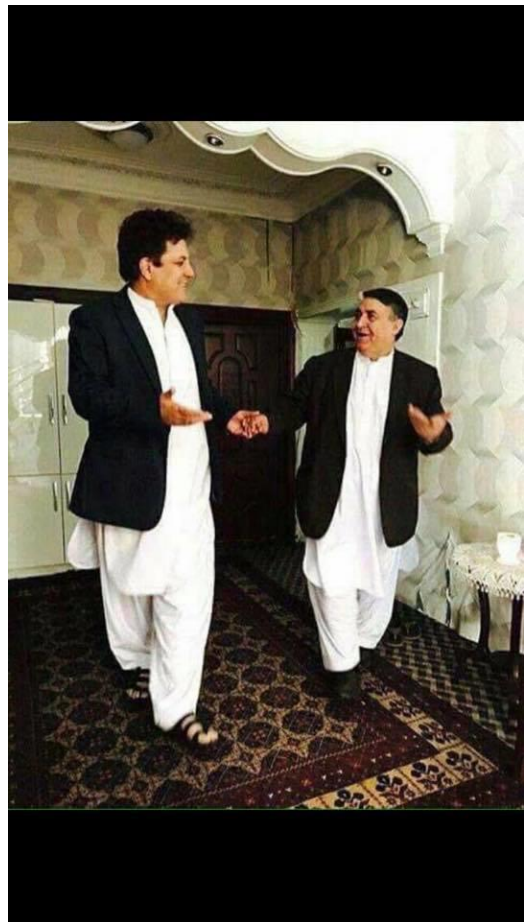
سخنان آقای سعیدی ریشه های عمیق دیگر دارد و هرکس میخواهد در این تنور داغ، نان خود را بپزد. آقای سعیدی به حیث یکی از پیروان داکتر نجیب میکوشد تا شرایط را برای برگشت دوستان قدیم خود مساعد سازد و میکوشد بر علیه نظام موجود ذهنیت سازی کند. خوب بشنوید که میگوید: «مردم آغشته در خون است، ولی اشرف غنی محفل ساز و سرور برپا کرده است!!»

نمیدانم مقصد از این محفل ساز و سرور در چنین روز چیست، در حالیکه او ماتم ملی را اعلان کرد.

اینکه دست هایی از داخل نظام در همچو حالات زیدخل است، شک نیست و بدون دست داشتن آنها زمینه سازی برای همچو جنایات میسر نمیشود، ولی این دست ها میتوانند در ردیف های متوسط و حتی پایانی نظام باشد. لذا برکناری چند نفر در بالا و نصب اشخاص جدید، نمیتواند دست های نامرئی عاملان را در رده های متوسط و پایان در داخل نظام کوتاه سازد. کشف و برکناری همچو اشخاص کار ساده نیست.

سعیدی میگوید که این دسایس برای ایجاد بی ثباتی و وحشت و دهشت نتیجه رقابت های سیاسی و زد و بند های رده های بالایی داخل نظام است که یکی برای بدنام کردن دیگر به چنین اعمال دست میزنند. شاید همچو رقابت ها در داخل حلقات بالائی نظام موجود باشد که نمیتوان از آن انکار کرد، اما رقابت ها به حدی نخواهد بود که آنها دست بیک جنایت بس بزرگ بشری بزنند و مردمان بیگناه را به قتل برسانند. اگر چنین کنند، آنوقت خود شان به ریشه خود تیشه میزنند و قبر خود را بدست های حفر میکنند. دست داشتن رده های متوسط و حتی پایان نظام در همچو جنایات میتواند بوسیله پول و رشوت کارسازی گردد.

معضله افغانستان بزرگتر از آنچه است که آقای سعیدی میگوید. تشدید حملات انتحاری در فواصل کوتاه در حقیقت عکس العمل مراجعی است که از تصمیم رئیس جمهور امریکا در هراس افتاده اند. پاکستانی ها میخواهند به امریکائی ها نشان دهند که با وارد کردن فشار بر آنها، مشکل حل نمیشود، بلکه میخواهند عملاً نشان دهند که آنها میتوانند درد سرهای زیاد را در افغانستان برای امریکائی ها ایجاد کنند.



دراینکار بر علاوه پاکستان دستان متحدین جدید آن کشور نیز بطور غیرمستقیم شریک است. همه میکوشند تا افغانستان را بار دیگر به میدان جنگ های نیابتی مبدل سازند و این سرزمین را برای امریکائی ها به

سرزمین آتش و خون تبدیل کنند، طوریکه امریکائی ها یا مجبور به ترک افغانستان شوند و میدان را برای آنها خالی بگذارند و یا اینکه امریکا را مجبور سازد تا دوباره به پاکستان روی آورد و جوی دالر را برای دلجوئی آنها روان سازد.

مردم ما بهتر است عمق فاجعه را درک کنند و به حرفهای مغرضان که احساسات مردم را تحریک میکنند، فریب نخورند. اگر بعضی ها میگویند که اشرف غنی و عبدالله استعفی دهند، بای نخست آنها به این سؤال جواب بگویند که: کی بجای آنها خواهد آمد و به کدام وسیله و چگونه میتوان براین جانشینی مهر مشروعیت گذاشت؟ آیا شخص یا اشخاص جدید توان آوردن ثبات و رفع نا امنی ها را خواهند داشت؟ نشود که سرمه های آزموده را باز به میدان آورد که اینکار "از زیر چکک برخاستن

د پانو شمیره: له 3 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاره ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولی

و به زیر ناوه نشستن" خواهد بود و افغانستان را به یک بحران عمیق و خطیر دیگر مواجه خواهد ساخت.

نمونه ای از راه اندازی حملات انتحاری در هشت ماه اخیر در کابل بیانگر این واقعیت تلخ است در اثر کشمکش های قدرت طلبانه بعضی عناصر و از هم پاشیده شدن یک موقف مشترک موقع برای دشمنان وطن و مردم مساعد میگردد تا عملیات تخریبی خود را از اطراف به شهرها انتقال دهند و مردم بیچاره به خاک و خون بنشانند و ترس و واهمه را در بین مردم ایجاد نمایند و برای بعضی ها انگیزه دهند که زبان به انتقاد بکشایند و ذهنیت مردم را در برابر نژاد تحریک کنند و فضای آرامش و اعتماد را برهم زنند. توجه شود به حملات انتحاری در کابل طی هشت ماه اخیر که جمعاً به تعداد 428 نفر اعم از ملکی و نظامی، زن و مرد و طفل بطور فجیع به شهادت رسیدند:

- 9 دلو: حمله بر یک قرار گاه عسکری در حواشی پوهنتون نظامی مارشال فهیم، 2 کشته
- 7 دلو: حمله به مقر پیشین وزارت داخله، 103 کشته
- اول دلو: حمله به هتل اینترکننتینتال، 24 کشته
- 7 جدی: حمله به مرکز فرهنگی تیبیان، 41 کشته
- 25 عقرب: حمله به هواداران جمعیت اسلامی، 14 کشته
- 9 عقرب: دفتر امور خارجی وزارت دفاع، 5 کشته
- 29 میزان: دانشگاه نظامی مارشال فهیم، 15 کشته
- 28 میزان: حمله به مسجد امام زمان (برچی)، 39 کشته
- 4 سنبله: مسجد امام زمان (خیرخانه)، 28 کشته
- 10 جوزا: حمله به چهارراه زنبق، 150 کشته
- 13 جوزا: حمله به مراسم خاکسپاری، 7 کشته

(بدینوسیله بروح پاک شهدای این حوادث اتحاف دعا نموده و برای مردم مظلوم افغانستان، بخصوص خانواده های این شهدای خفته بخون تسلیت گفته، صبر جمیل و اجر جزیل از بارگاه ایزد متعال خواهانم. غم هریک شما، غم همه ملت است؛ ماهمه در این غم باهم شریک هستیم)

د پانو شمیره: له 4 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاره ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ